



富姫

چندین روزه که تو اینجا
اومدی ولی حس میکنم
یکم وزن اضافه کردی.

مگه نه،
بای؟



چقدره نرمی-

چقدره نرمی-

فکن، قلقلمکم
میاد...



همه چیزو
خراب کنین!





چیکار میکنین،
سرورم؟


یک ست "چهار گنجینه مطالعه"
که توسط امپراتور بهم
اهداشده بود گمشده.



و یک نفر ادعا کرده که
دختری از عمارت یشم
شکسته اون رو دزدیده. پس
میخوام اینجا رو بگردم.

اگه باهوشی، باید از
سر راهم پری کنار!





چطور جرات می کنید! این
حیاط شهبزاده خانمه!
همتون میتواین بمیرین؟

هیچ شولهدی وجود نداره!
دارین به ما تهمت میزنین!



درین داخل همه
آقاها رو بگردین!



شاهزاده فانم؟



شاهزاده خانمت قراره یه ج*ده
بشه که همه میتونن بک*ننش!
هنوزم فکر میکنی که قراره
صحیح و سلامت برگرده؟



جرات...

نکن که به شاهزاده
فانم ما توهین کنی...

چطور جرات میکنی! امروز
صورتت رو خراب میکنم و
دهنت رو پاره می‌کنم!

پس اینجوری میتونی
بفهمی چقدر دان بعد از
اینکه چهرش خراب شد
زجر میکشه!





علاءها!

اگه شیلیانگ مو بفهمه که
خدمتکارش برای کاری که اون
انجام داده داره مبارزات
میشه، خیلی خوشحال نمیشه!



오~





این دیگه
چه کوفتیه؟

سرورم، وسایل رو
پیدا کردیم. اونا داخل
این اتاق بودن!





لعنت به اون وسایل
بعد از شیره بهت لعنت
میدونن تو خلوت اون

وسایل رو گذاشتی تو اتاق تا
وقتی شلهزاده خانم نیست
براش پایوش درست کنی!

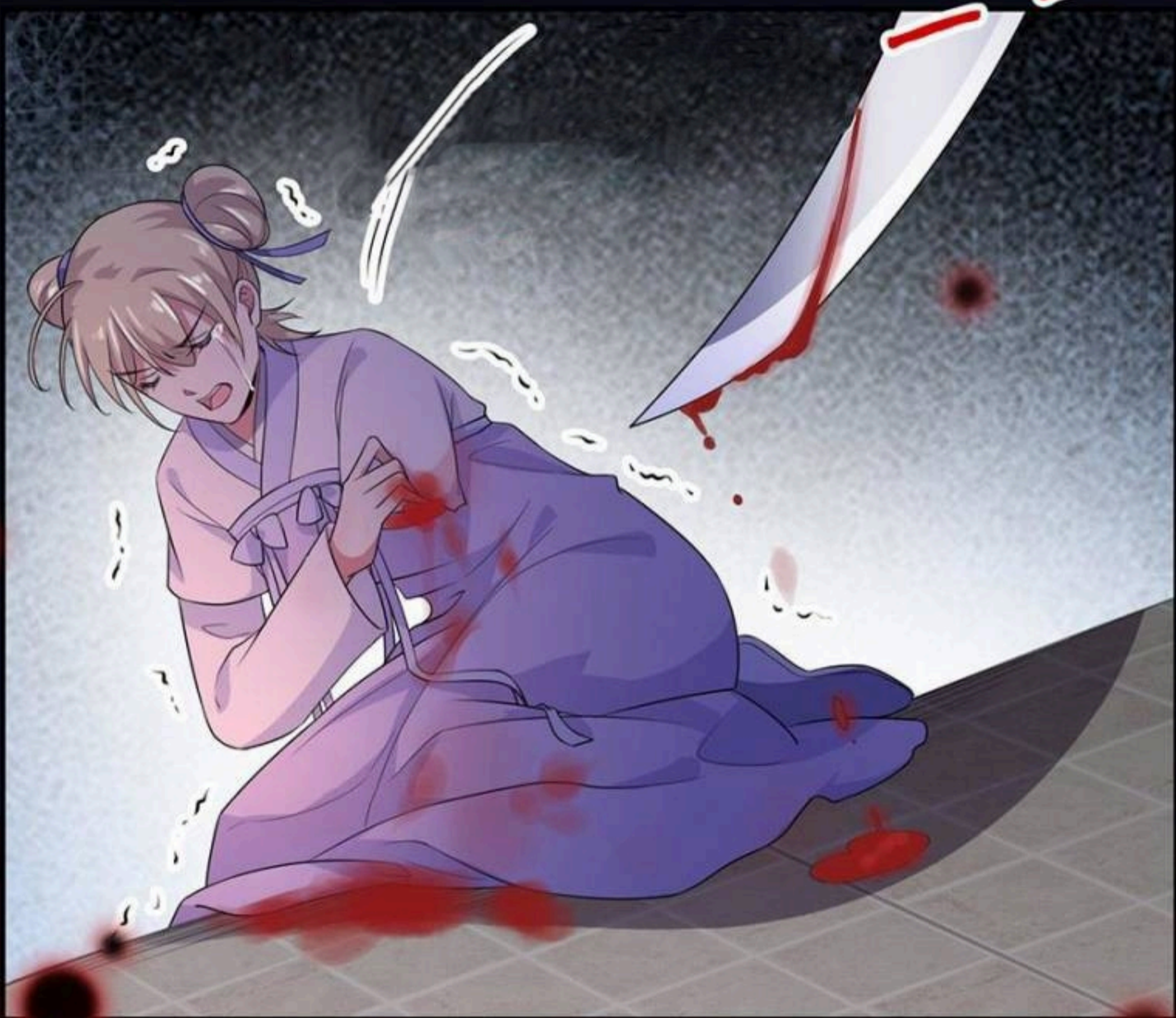




میکشمت تا انتقام
مرگت خواهرم رو بگیرم!

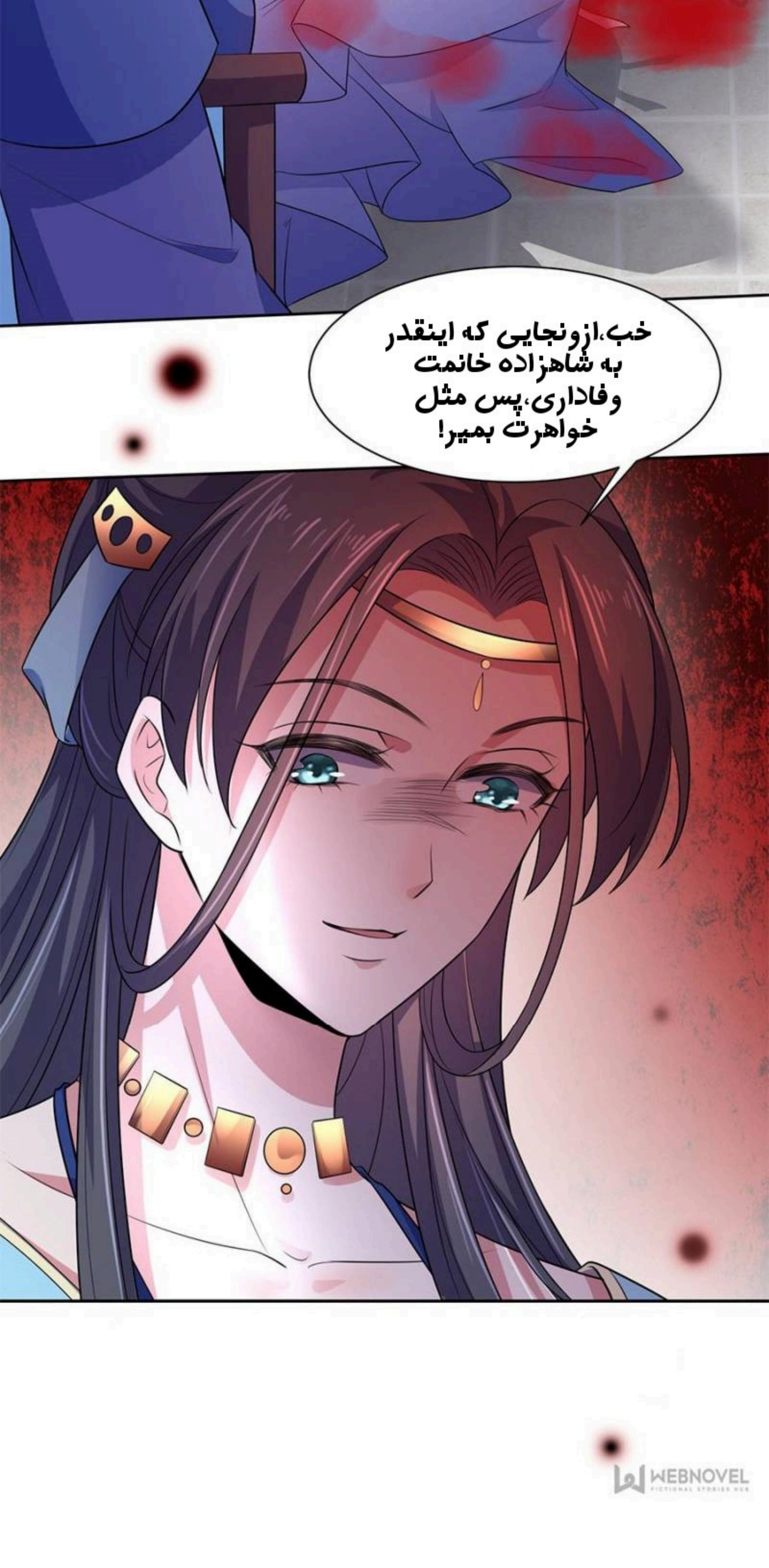






تو خواهر کوچیکتر اون
بای می جوون مرگ
شده بودی، مگه نه؟
خیلی شبیهشی.





خب، ازونجایی که اینقدر
به شاهزاده خانمت
وفاداری، پس مثل
خواهرت بمیر!




اون الان مال
شماست!



حالا که هم دزد و هم وسایل دزدیده شده پیدا شدن. خدمتکاران عمارت یشم شکسته، چطور جرات میکنین وسایلی که از طرف امپراتور اهدا شده بدزدید؟ و پشت همدیگه در بیاین؟ تا حد مرگ کتکشون بزنین!







شیلینگ مو، تو پاهای منو
سنگستی، حیاط مادرم رو
پاکسازی کردی، و حتی
چهره دان رو نابود کردی...

این فقط شروعشه. فقط
منتظر باش پپین در
آینده چیکاره میکنم!